

تأملی در مفهوم «دولت‌ستیزی» و عوامل مؤثر بر آن

# دولت در ایران؛ از ساخت تا برساخت

◀

علی کاکادز فولی

دکترای جامعه‌شناسی سیاسی

دولت به شکل امروزی آن یکی از ارکان اصلی سیاست مدرن است و بواسطه جایگاه مهمی که در تعیین مناسبات در سطوح مختلف دارد، همواره جزو موضوعات بحث‌برانگیز بوده است. در فهم فرایندهای مرتبط با دولت، هم توجه به ماهیت ساخت دولت اهمیت پیدا می‌کند و هم برساخته‌هایی که بتدریج از آن برای بخش‌های مختلف جامعه شکل می‌گیرد. از آنجایی که دولت‌ها همواره در جایگاه قدرت قرار می‌گیرند و ذات پایداری آنها مبتنی بر ایجاد و حفظ قدرت است، الگوهای رفتاری معین و محدودی در نسبت با جامعه دارند؛ در عوض ارتباطی که از سوی بخش‌های مختلف جامعه با دولت برقرار می‌شود، بسیار متنوع و پیچیده است.

این ارتباطها را می‌توان در میانه طیفی جای داد که در یک سر آن به کلی ساخت دولت مدرن، نفی می‌شود و در سر دیگر آن دولت به طور تمام و کمال نروشن‌ت جامعه را دراختیار می‌گیرد و بر آن تأثیر می‌گذارد. احتمالاً مشهورترین کسانی که بواسطه ستیزشان با دولت متمرکز با مشخصه دولت‌ستیزی برجسته شده‌اند، آنارشئیست‌ها هستند که البته ستیزشان تنها به ساخت دولت محدود نمی‌شود؛ بلکه فراتر از آن رفته و هیچ نوع ساخت‌قدرت متمرکز مبتنی بر زور و اجبار را به رسمیت نمی‌شناسند. با وجود این مفهوم، دولت‌ستیزی تنها محدود به کسانی که دولت را به رسمیت نمی‌شناسند، نیست؛ بلکه طیف‌های دیگری هم هستند که بسته به نوع دولت، با آن به ستیزه‌جویی برمی‌خیزند. یادداشت حاضر مدخلی است بر مفهوم دولت‌ستیزی که سعی دارد به بیان مفهوم کلی این پدیده در نسبت با ساخت دولت در ایران بپردازد و در آینده بتدریج به ابعاد

دیگر این موضوع پرداخته خواهد شد.

### ■ مفهوم دولت‌ستیزی

عبارت دولت‌ستیزی حداقل در این نوشتار بار سیاسی یا ارزش‌گذارانه ندارد و ستیز یا دولت، به معنای نفی کلی ساخت آن است، نه لزوماً نقدهایی که از سوی جریان‌های سیاسی ناهمسو با دولت روی کار، صورت می‌گیرد. اگرچه عبارت «دولت‌ستیزی» در ایران از غنای نظری برخوردار نیست، اما رگه‌هایی از مفهوم آن را در برخی نوشته‌ها و نظریه‌هایی که درباره پیشینه دولت و ارتباط آن با جامعه ارائه شده‌اند، می‌توان یافت. همواره در مقاطع زمانی متفاوت از تاریخ ایران، دولت‌ها از نظر میزان قدرت و اقتداری که در اختیار داشته‌اند، متفاوت بوده‌اند و حتی در مقطع پس از پیروزی انقلاب اسلامی که بیشتر دولت‌ها برای دو دوره روی کار بوده‌اند، باز هم بواسطه شرایط متغیر داخلی و بیرونی، دو دوره متفاوت را پشت‌سر گذاشته‌اند؛

اما سؤال اینجااست که جامعه ایران در هر مقطع زمانی مصادف با دولت‌ها چه درک و تصویری از آنها داشته است؟ آیا فهم جامعه از دولت، فهمی کلی بوده که با آموذش دولت‌ها چندان دچار تغییر نشده است؟ یا اینکه این فهم در نسبت با هر دولت، متعطف و سیال بوده است؟ این پرسش‌ها به طور خاص در ارتباط با دولت‌های پس از پیروزی انقلاب موضوعیت پیدا می‌کنند؛ زیرا در این زمان است که میان دولت به معنای قوه‌مجریه و حاکمیت به معنای تمامیت قدرت سیاسی تفکیک به وجود می‌آید، از این نظر این موضوع که جامعه تا چه اندازه میان دولت و حاکمیت تفکیک قائل شده و نسبت بین آنها را چگونه می‌بیند، حائزاهمیت می‌شود. عبارت «دولت‌ستیزی» توصیفی اغراق‌آمیزی از نگاه بدبینانه به دولت است که بر مبنای آن نهاد دولت، در هر زمان و در هر شرایطی مقصر تمامی مشکلات شناخته می‌شود. بخشی از این نگاه



دیگر این موضوع پرداخته خواهد شد و آن، تصویری نادرست از دولت و کارکردهایش صورت گرفته است. چند عامل بر این دریافت کلی تأثیرگذار بوده‌اند؛ اول، مواجهه سیاست‌زده با امر حکمرانی که در فقدان یا کم‌رنگ بودن نهاد‌های واسطه‌ای میان جامعه و حاکمیت، سعی کرده سیاست را در چهارچوب منافع جناحی تفسیر و تحلیل کند. دوم، بدبینی تاریخی نخبگان سیاسی به پدیده دولت است؛ و مجزا از جامعه نیست؛ درنتیجه انعکاس خود را در آینه مجموعه‌ای از مناسبات، ارتباطات و بازخوردها در دنیای بیرونی می‌بیند و از طریق آن، هویت و ماهیت خود را باز می‌شناسد و دولت را به دیده دولت است؛ تصویر درست و منسجمی را به دست ندهد، نهاد دولت در بازشناخت خویش نیز دچار مشکل خواهد شد. عامل چهارم مؤثر بر نگاه بدبینانه به دولت، مواجهه دولت‌ها با یکدیگر و تلاش برای حفظ اعتبارشان از طریق غیربیت‌سازی دولت‌های قبلی بوده است. این موضوع البته در همه دولت‌ها یکسان نبوده و به فراخور شرایط تاریخی و اخلاق‌مداری دولت‌ها، شدت یا ضعف داشته است؛ اما در هر حال نمی‌توان از جریان‌سازی‌های رسانه‌ای، سیاسی و تاریخی که دولت‌ها نسبت به یکدیگر انجام داده‌اند، چشم پوشید.

■ **عوامل مؤثر بر نگاه بدبینانه به دولت**
بدین‌گونه می‌رسد در جامعه امروز ایران، آموذش دولت‌های مختلف و تجاری‌سازی که داشته‌اند، بتدریج و در گذر زمان برساختی از دولت را در اذهان شکل داده است که براساس

وجه افتراق میان نخبگان سیاسی و روشنفکران برجسته‌تر می‌شود. بنابراین در مقطع پس از پیروزی انقلاب اسلامی، عمدتاً این روشنفکران هستند که یا بواسطه رسالتی که بر دوش خود به‌عنوان روشنفکر احساس کرده‌اند و یا بواسطه کسب اعتبار اجتماعی، در تقابل با دولت قرار گرفته و نگاهی بدبینانه به آن داشته‌اند و این بدبینی گاه آنقدر شدید می‌شود که به دولت‌ستیزی هم می‌رسد. سومین عامل مؤثر بر نگاه بدبینانه به دولت، نامأنوس بودن پدیده دولت مدرن برای جامعه بوده است؛ مواجهه جامعه ایرانی با ساخت دولت مدرن مواجهه‌ای تازه است؛ این تازگی از یک‌سو سبب می‌شود تا جامعه شناخت دقیقی از چیستی دولت و کارکردهای آن نداشته باشد و از دیگر سو، باعث می‌شود تا مواجهه دولت با خودش نیز دقیق و متعین نباشد؛ زیرا دولت نیز نهادی مستقل

◀

در تاریخ ایران، چه قبل از مشروطه و چه پس از آن تا قبل از پیروزی انقلاب، نخبگان سیاسی به خاطر آن که دولت را مظهر تمامیت خواهی و اقتدارگرایی به حساب آورده‌اند، عمدتاً نگاه مطلوبی به دولت نداشته‌اند و با توجه به اینکه سازوکارهای چرخش نخبگان هم چندان نهادمند و کارآمد نبوده‌اند، بیشتر نخبگان سیاسی در حقیقت در ردیف روشنفکران سیاسی قرار داشته‌اند و وجه شاخص روشنفکران نیز مخالفت آنها با قدرت‌های سیاسی حاکم بوده است

دولت‌های خارجی نبوده است که حتی اگر این امر صورت می‌گرفت، بازهم نمی‌توانست مقایسه دقیق یا کارآمدی باشد؛ زیرا شرایط تاریخی، فرهنگی و اجتماعی در کشورهای مختلف یکسان نیستند و همچنین جایگاه کشورها از منغشوش باشد و یا تحت تأثیر عوامل مختلف دچار اختلال شود، تحلیل‌ها را به بیراهه خواهد برد. طبعاً همان‌گونه که اشاره شد، بخشی از نگاه‌های بدبینانه به ساخت کلی دولت، بواسطه ناکارآمدی‌های دولت‌ها در مقاطع مختلف بوده و در جای خود قابل ریشه‌یابی و آسیب‌شناسی است؛ اما تمرکز این نوشته بر ادراکی کلی از دولت است که آن را پدیده‌ای نامطلوب می‌داند و تحت هر شرایطی به مخالفت با آن برمی‌خیزد. یکی از آسیب‌هایی که درحال حاضر در مواجهه نقادانه با ساخت کلی دولت مطرح است، عدم شناخت کارکردهای دولت و حتی عدم شناخت کژکارکردهای اقتصادی و طبیعی آن است. نداشتن تصویری مطلوب و معیاری درست از دولت، سبب شده تا در مقام سنجش، نقادی و ارزیابی نیز، نتوان از شاخص‌های معین و روشنی استفاده کرد. آنچه تا به امروز در نقد دولت‌ها در جمهوری اسلامی رایج بوده، حتی مقایسه دولت‌های ایران با

«دولت‌ستیزی» مهم است؟ به نظر می‌رسد نقد سیاست در ایران و تلاش در راستای ارتقای آن در سطوح مختلف بدون شناخت درست و دقیق از ماهیت دولت و کارکردهای آن ممکن نیست؛ اما این شناخت زمانی که منغشوش باشد و یا تحت تأثیر عوامل مختلف دچار اختلال شود، تحلیل‌ها را به بیراهه خواهد برد. طبعاً همان‌گونه که اشاره شد، بخشی از نگاه‌های بدبینانه به ساخت کلی دولت، بواسطه ناکارآمدی‌های دولت‌ها در مقاطع مختلف بوده و در جای خود قابل ریشه‌یابی و آسیب‌شناسی است؛ اما تمرکز این نوشته بر ادراکی کلی از دولت است که آن را پدیده‌ای نامطلوب می‌داند و تحت هر شرایطی به مخالفت با آن برمی‌خیزد. یکی از آسیب‌هایی که درحال حاضر در مواجهه نقادانه با ساخت کلی دولت مطرح است، عدم شناخت کارکردهای دولت و حتی عدم شناخت کژکارکردهای اقتصادی و طبیعی آن است. نداشتن تصویری مطلوب و معیاری درست از دولت، سبب شده تا در مقام سنجش، نقادی و ارزیابی نیز، نتوان از شاخص‌های معین و روشنی استفاده کرد. آنچه تا به امروز در نقد دولت‌ها در جمهوری اسلامی رایج بوده، حتی مقایسه دولت‌های ایران با

■ **ضرورت پرداختن به دولت‌ستیزی**
اما چرا پرداختن به موضوع

گزارش بانک جهانی از شوک‌های اقتصادی جنگ روسیه و اوکراین

# افزایش قیمت نفت ادامه دارد

◀

ایندر میت گیل

امیر فرشایف،ترجمه و تلخیص

جنگ در اوکراین نمی‌توانست برای اقتصاد جهانی در زمانی بدتر از این رخ دهد؛ زمانی که بهبودی پس از رکود ناشی از همه‌گیری [کرونا] با سرورتن سوی تزلزل پیش می‌رفت، تورم در حال افزایش بود، بانک‌های مرکزی بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان، خود را برای افزایش نرخ بهره آماده می‌کردند و بازارهای مالی حول مجموعه عظیمی از عدم قطعیت‌ها سرگردان بودند...

جنگ این ابهامات را تشدید کرده است، به گونه‌ای که در سراسر جهان طنین‌انداز خواهد شد و آسیب‌پذیرترین افراد در مناطق ضعیف از لحاظ اقتصادی، آسیب خواهند دید. هنوز خیلی زود است که بگوییم این منازعه تا چه حد چشم‌انداز اقتصاد جهانی را تغییر می‌دهد، درست مانند شکل جدید کرونا -که به مثابه واپسین بحران- به شکلی کاملاً غیرمنتظره وارد شد، اما از قبل واضح است که افزایش قیمت‌های غذا و انرژی در کنار کمبود عرضه، دردسری است که افزایش برای اقتصادهای کم‌درآمد و متوسط خواهد بود.

بسیاری از اقتصادهای در حال توسعه جهان در اثر این همه‌گیری ضعیف‌تر شدند؛ بازیابی سلامتی که اقتصادهای پیشرفته در سال گذشته تجربه کرده‌اند، به طرز قابل توجهی آنها را دور زده است؛ چراکه تا سال ۲۰۲۳، سطح تولید اقتصادی در اقتصادهای در حال توسعه همچنان ۴ درصد کمتر از سطح پیش‌بینی‌شده قبل از همه‌گیری خواهد بود. مجموع بدهی در این اقتصادها اکنون به بالاترین حد خود در ۵۰ سال گذشته و تورم به بالاترین حد خود در ۱۱ سال اخیر رسیده است و ۴۰ درصد از بانک‌های مرکزی، در

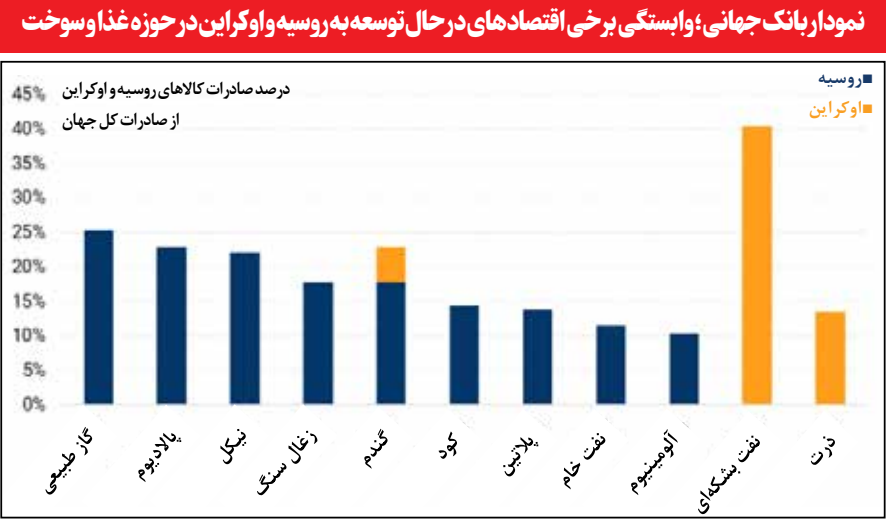
واکنش به این چالش، افزایش نرخ بهره را آغاز کرده‌اند.

با این تفاسیر، بحران اوکراین هم با درآمد پایین و متوسط، بازیابی جایگاه اقتصادی‌شان را دشوارتر کند. علاوه بر افزایش قیمت کالاها، احتمالاً پیامدهای دیگری نیز از جهات دیگر، این اقتصادها را تعقیب خواهند کرد: شوک‌های تجاری، تلاطم مالی، مشکل انتقال پول و مهاجرت پناهندگان به خارج و... که کشورهای نزدیک به درگیری -به دلیل ارتباطات قوی تجاری، مالی و مهاجرتی- خود به روسیه و اوکراین- احتمالاً بی‌تضرر خواهد شد و خواهند دید؛ اما اثرات این بحران می‌تواند بسیار فراتر از این موارد هم باشد.

### ■ هزینه‌های غذا و سوخت

برخی اقتصادهای در حال توسعه که به منطقه درگیری نزدیک هستند، برای تأمین غذا بشدت به روسیه و اوکراین وابسته هستند (شکل ۱). این دو کشور بیش از ۷۵ درصد گندم وارداتی چند کشور از اروپا، آسیای مرکزی، غرب آسیا و آفریقا را تأمین می‌کنند. کشورهای مذکور بویژه در برابر اختلال در تولید یا حمل‌ونقل غلات و دانه از روسیه و اوکراین آسیب‌پذیر هستند. برای کشورهای کم درآمد، اختلال در عرضه و همچنین افزایش قیمت‌ها می‌تواند باعث افزایش گرسنگی و ناامنی غذایی شود.

روسیه همچنین یک نیروی اصلی در بازار انرژی و فلزات است؛ این کشور یک چهارم بازار گاز طبیعی، ۱۸ درصد بازار زغال سنگ، ۱۴ درصد بازار پلاتین و ۱۱ درصد نفت خام را در اختیار دارد. کاهش شدید عرضه این کالاها می‌تواند صنایع مربوط به ساخت و ساز، پتروشیمی و حمل‌ونقل را با



مشکل مواجه کند، همچنین باعث کاهش رشد اقتصادی خواهد شد؛ چرا که برآوردهای منتشر شده از سوی بانک جهانی نشان می‌دهد که افزایش ۱۰ درصدی قیمت نفت و ساز، پتروشیمی و حمل‌ونقل را با مشکل مواجه کند، همچنین باعث کاهش رشد اقتصادی خواهد شد؛ چرا که برآوردهای منتشر شده از سوی بانک جهانی نشان می‌دهد که افزایش ۱۰ درصدی قیمت نفت

که برای سال‌ها ادامه دارد، می‌تواند رشد اقتصادهای در حال توسعه واردکننده کالا را تا یک دهم درصد کاهش دهد. قیمت نفت در ۶ ماه گذشته بیش از ۱۰۰ درصد افزایش

یافته و در صورت تداوم این موضوع، می‌تواند درصد قابل توجهی از رشد اقتصادی واردکنندگان نفت مانند چین، اندونزی، آفریقای جنوبی و ترکیه را کاهش دهد.

### ■ تلاطم مالی

این درگیری قبلاً باعث تزلزل در بازارهای مالی و فروش سهام و اوراق قرضه در بازارهای اصلی جهانی شده بود. افزایش ریسک‌ناپذیری سرمایه‌گذاران می‌تواند منجر به خروج سرمایه از اقتصادهای در حال توسعه، کاهش ارزش پول، سقوط قیمت سهام و افزایش ریسک در بازارهای اوراق قرضه شود. همچنین می‌تواند باعث ایجاد استرس شدید برای ده‌ها اقتصاد در حال توسعه با سطح بدهی بالا شود. از سوی دیگر، اقتصادهایی که کسری حساب جاری بالایی دارند یا بدهی‌های کوتاه‌مدت زیادی به ارزشی خارجی دارند، با چالش روبرو خواهند شد.

نکته دیگر در این زمینه اینکه استرس مالی می‌تواند بواسطه واکنش بانک‌های مرکزی، به تورم بالاتر منجر شود. در بسیاری از اقتصادهای در حال توسعه، تورم در حال حاضر به بالاترین سطح در یک دهه اخیر خود رسیده است و افزایش بیشتر قیمت‌های انرژی می‌تواند منجر به یک ماریپچ تورمی شود؛ زیرا انتظارات برای افزایش تورم بلندمدت، ریشه‌دار خواهد شد. باز همین امر نیز به نوبه خود می‌تواند بانک‌های مرکزی را وادار کند تا سیاست‌های [سختگیرانه] پولی خود را با سرعت بیشتری نسبت به آنچه تاکنون انتظار می‌رفت، تشدید کنند.

### ■ کوچ پناهمجویان و انتقال ارز

از زمان آغاز درگیری، بیش از ۲ میلیون نفر از اوکراین به کشورهای همسایه گریخته‌اند که بزرگترین مهاجرت جمعی در اروپا از زمان جنگ جهانی دوم است. کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان حتی پیش‌بینی کرده است تعداد پناهندگان بزودی به ۴ میلیون نفر نیز برسد. پذیرش ناگهانی تعداد

زیادی از پناهمجویان تازه‌وارد برای دولت‌های میزبان دشوار است و همین معضل بر حوزه‌های عمومی مالی کشورها و بخش‌های خدمات فشار وارد می‌کند، بویژه بخش‌های درمانی و مراقبت‌های بهداشتی، که با رسیدن همه‌گیری کرونا به سال سوم خود، همچنان کمبود دارد.

علاوه بر این، آسیب اقتصادی می‌تواند فراتر از اروپای شرقی به کشورهای سرایت کند که بشدت به حوزه و مبالغه‌ارسانی در کشورهای آسیب دیده متکی هستند. به‌عنوان مثال، چندین کشور در آسیای مرکزی بشدت به حواله‌های ارسالی از روسیه وابسته هستند، در برخی موارد، این حواله‌ها تا ۱۰ درصد از تولید ناخالص داخلی این کشورها را تشکیل می‌دهند. بسیاری از کشورهای آسیای مرکزی احتمالاً در نتیجه مناقشه شاهد کاهش وجود ارسالی خواهند بود.

### ■ پیشگیری، هزینه دار!

هنگام عمل است؛ گروه بانک جهانی، همراه با صندوق بین‌المللی پول، بسرعت در حال حرکت به سوی ارائه کمک به اوکراین و سایر کشورهای آسیب دیده است. بسته حمایتی ۳ میلیارد دلاری در ماه‌های آینده شامل ۳۵۰ میلیون دلار برای اوکراین تا پایان

http://irannewspaper.ir

editorial@irannewspaper.ir